

The Structure of Repetition in the Holy Quran to Present Educational Requirements in the Teaching Profession

(Received: 2025-03-23 Acceptance: 2025-05-29)

Mahdiyeh Keshani ¹ 

Abazar Kafi Mousavi ² 

Abstract

Repetition, as a prominent rhetorical and content approach, plays an important role in conveying concepts, emphasizing key themes, and creating an emotional connection with the audience. Repetition in the Holy Quran is not only used to emphasize the importance of the basic concepts of Islam, but also helps create harmony and rhythm in the text, facilitate memorization and recitation, and convey educational and instructive messages. This research aims to identify and analyze different patterns of repetition at the lexical, phraseological, verse, and narrative levels. To achieve this goal and due to the multifaceted nature of the present article, the research method is a combination of data coding using the data-driven strategy method with MAXQDA software for the structure of repetition in the Holy Quran and the qualitative content analysis method in the inductive method in the section of educational requirements for teachers. The results of the study indicate that there are three categories of repetition of words, meaning, and pattern in the Quran, each of which is divided into three more detailed categories. Repetition of letters, words, and verses in the word section, repetition of content, phrases, and stories in the meaning section, and repetition in one or more surahs, numbers, and patterns in the pattern section, are categorized. In the section on educational requirements, five points can be explained to teachers, including: paying attention to the necessity of repetition, creating a connection between the goal and the method of repetition, diversity in repetition patterns, paying attention to repetition intervals, and paying attention to aesthetic elements in repetition.

Keywords: Structuralism, Repetition, Holy Quran, Educational requirements, Teaching profession.

1. Assistant Professor, Department of Islamic Education, Farhangian University, Tehran, Iran. (Corresponding author). m.keshani@cfu.ac.ir

2. Assistant Professor, Department of Islamic Education, Farhangian University, Tehran, Iran. a.kafi@cfu.ac.ir



ساختارشناسی تکرار در قرآن کریم جهت ارائه بایسته‌های تربیتی در حرفه معلمی

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱/۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۳/۸)

مهدیه کشانی^۱

اباذر کافی موسوی^۲

چکیده

تکرار، به عنوان یک رویکرد بلاغی و محتوایی برجسته، نقش مهمی در انتقال مفاهیم، تأکید بر مضامین کلیدی و ایجاد ارتباط عاطفی با مخاطب ایفا می‌کند. تکرار در قرآن کریم نه تنها به منظور تأکید بر اهمیت مفاهیم اساسی دین اسلام به کار رفته است، بلکه به ایجاد هماهنگی و ریتم در متن، تسهیل حفظ و تلاوت، و انتقال پیام‌های تربیتی و عبرت‌آموز نیز کمک می‌کند. این پژوهش با هدف شناسایی و تحلیل الگوهای مختلف تکرار در سطوح واژگانی، عبارتی، آیه‌ای و داستانی انجام شده است. برای دستیابی به این منظور و به دلیل چندوجهی بودن مقاله حاضر، روش پژوهش، ترکیبی از کدگذاری داده‌ها به شیوه استراتژی داده بنیاد با نرم‌افزار MAXQDA به منظور ساختارشناسی تکرار در قرآن کریم و روش تحلیل محتوای کیفی به شیوه استقرایی در بخش بایسته‌های تربیتی برای معلمان است. نتایج پژوهش حاکی از آن است که سه دسته تکرار لفظ و معنا و الگو در قرآن وجود دارد که هرکدام به سه دسته جزئی‌تر تقسیم می‌شود. تکرار حروف، کلمات و آیات در بخش لفظ، تکرار مضمون، عبارت، داستان در بخش معنا و تکرار در تک یا چند سوره، عدد و قالب در بخش الگو، دسته‌بندی می‌شوند. در بخش بایسته‌های تربیتی پنج نکته برای معلمان قابل تبیین می‌باشد که شامل: توجه به ضرورت تکرار، ایجاد ارتباط بین هدف و روش تکرار، تنوع در قالب‌های تکرار، توجه به فواصل تکرار و توجه به عناصر زیبایی‌شناسی در تکرار می‌باشد.

واژگان کلیدی: ساختارشناسی، تکرار، قرآن کریم، بایسته‌های تربیتی، حرفه معلمی



Vol. 4
No. 1
Spring and Summer
2025

۱. استادیار گروه آموزش معارف اسلامی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران. (نویسنده مسئول).
m.keshani@cfu.ac.ir

۲. استادیار گروه آموزش معارف اسلامی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران. a.kafi@cfu.ac.ir



۱. مقدمه و بیان مسئله

تکرار (به فتح تا) از ماده «ک ر ر» به معنای بازگرداندن قول یا فعلی برای بار دوم و مصدر غیر قیاسی باب تفعیل است. تکرار در اصطلاح علمای بلاغت عبارت است از دلالت دوباره لفظ بر معنا با تکرار آن و در قرآن پژوهی از اسلوب‌های بلاغی قرآن به شمار می‌آید (حسینی زبیدی واسطی، ۱۴۱۴ق، ج ۷: ۴۴۰ و این منظور، ۱۳۷۵، ج ۱۲: ۶۴) و ناظر به آیاتی است که لفظ، عبارت یا معنایی از آن در آیات دیگر به نحوی تکرار شده‌اند؛ کم باشد یا زیاد و تکرار با عین عبارت باشد یا با اختلافی اندک و در یک سوره باشد یا چند سوره. قرآن کریم، کلام الهی، نه تنها منبع هدایت و راهنمایی برای مسلمانان است، بلکه گنجینه‌ای ارزشمند از معارف، حکمت‌ها و الگوهای تربیتی است. در میان رویکردهای گوناگون به کار رفته در این کتاب آسمانی، پدیده تکرار جایگاه ویژه‌ای دارد. تکرار، به معنای بازگویی یک واژه، عبارت، آیه، داستان یا مضمون در فواصل مختلف متن، نقش بسزایی در انتقال مفاهیم، تأکید بر مضامین کلیدی و ایجاد ارتباط عاطفی با مخاطب ایفا می‌کند. هدف از نگارش این مقاله، ساختارشناسی تکرار در قرآن کریم و بررسی کارکردهای آن با تأکید بر بایسته‌های تربیتی در حرفه معلمی است؛ به عبارت دیگر، چگونه می‌توان از ساختار تکرار در قرآن، آموزه‌های تربیتی استخراج نمود که برای معلمان در ایفای نقش هدایت‌گر و الگویی خود مفید باشند؟ برای پاسخ به این پرسش، ابتدا به بررسی انواع تکرار در قرآن کریم در سطوح مختلف واژگانی، عبارتی، آیه‌ای و داستانی پرداخته شد. سپس، با تحلیل کارکردهای گوناگون تکرار، استخراج بایسته‌های تربیتی مرتبط با حرفه معلمی مورد تبیین قرار گرفت. اهمیت این پژوهش از آنجا ناشی می‌شود که معلمان، به عنوان مهم‌ترین عوامل نظام آموزشی، نیازمند الگوها و راهنمایی‌های تربیتی هستند که بتوانند با استفاده از آن‌ها، نقش مؤثری در تربیت نسل آینده ایفا کنند. قرآن کریم، با ارائه الگوهای تکرار، این امکان را فراهم می‌آورد تا معلمان با بهره‌گیری از این ساختار، مفاهیم تربیتی را به شکلی مؤثر و ماندگار به دانش‌آموزان منتقل کنند.

پیش‌نیاز استنباط بایسته‌های تربیتی در روندی که مورد اشاره قرار گرفت، کاربرد نوعی تحلیل محتوای و ساختاری آیات قرآن را نیز مورد تأکید قرار می‌دهد. به عبارتی قبل از آنکه با رویکرد استقرایی، استنباط بایدها و نبایدها از قواعد موجود در قرآن صورت پذیرد، باید محتوای آیات قرآنی در تحلیل مضامین و ارتباط محتوایی آیات مورد نظر، مورد توجه قرار گیرد تا میزان خطاپذیری

الگوهای استخراجی به حداقل برسد. رویکرد تحلیل محتوا، تکنیکی پژوهشی برای استنباط تکرارپذیر و معتبر از داده‌ها در مورد متن آن‌هاست (کرپندورف، ۱۳۸۶: ۲۵) به بیان دیگر تحلیل محتوا یک تکنیک پژوهشی برای توصیف عینی و نظام‌مند از محتوای آشکار ارتباطات است (محمدی مهر، ۱۳۸۷: ۲۶ به نقل از: برلسون، ۱۹۵۲) در این رابطه، شیوه تحلیل در مقاله حاضر ضمن تمرکز بر روی واژه تکرار در قرآن، به استنباط بایسته‌های تربیتی از تحلیل محتوای ساختاری رویکرد تکرار در سطوح مختلف قرآن، پرداخته است. این نوع نگاه به مبانی دینی می‌تواند باب جدیدی برای الگوگیری از گزاره‌های درون دینی برای اهداف و عملکردهای تربیتی باشد و رابطه دین و تربیت را بر اساس الگوهای مورد نیاز در تعلیم و تربیت جامعه، استحکام بخشد.

باتوجه به مقدمات فوق، پرسش اصلی این پژوهش آن است که: الگوهای تکرار در قرآن کریم چگونه می‌توانند در شکل‌گیری بایسته‌های تربیتی در حرفه معلمی مؤثر واقع شوند؟

ضرورت‌سنجی پاسخ به این پرسش در امکانی است که برای ارائه الگوی مفهومی در بخش استخراج ساختمان‌شناسی الگوی تکرار در قرآن کریم در وهله اول فراهم می‌نماید و در مرحله بعد این مبنای نظری و مفهومی می‌تواند در بخش روش‌شناسی در حرفه معلمی به صورت عملیاتی مورد استفاده قرار گیرد.

۲. پیشینه پژوهش

مطالعه در باب الگوهای قرآنی، همیشه مورد توجه پژوهشگران و نویسندگان بوده و هست. منتها نگاه به الگوی تکرار در قرآن به منظور فهم ابعاد نظری و مفهومی آن، رویکردی است که کمتر مورد توجه قرار گرفته است. همچنین تحقیق در مورد ارتباط الگوی تکرار در قرآن جهت تبیین بایسته‌های تربیتی برای حرفه معلمی، موضوعی است که هیچ تحقیقی در رابطه با آن صورت نگرفته است. با توجه به این موضوع، و پس از بررسی پیشینه پژوهش، می‌توان به تألیفات زیر که ارتباط مستقیم‌تری با موضوع تحقیق حاضر دارد، اشاره نمود

پروان و نعمتی (۱۳۹۹) در مقاله «بررسی تکرار در قرآن از کتاب راهنمای قرآن» بیان می‌دارند اهداف تربیتی، تعیین‌کننده شیوه‌های بیانی قرآن، آن هم مطابق با مقتضای حال مخاطبان و موقعیت‌های بیانی کلام است. از آنجاکه هدایت و تربیت از اهداف مهم قرآن کریم است، تکرار به عنوان یکی از شیوه‌های کارآمد تربیت در قرآن مورد اهتمام قرار گرفته و اهدافی همچون تحریک و تحریض، تنبیه و تذکر، تثبیت، تلقین، تهدید، هشدار و الگوسازی را مورد توجه قرار داده



است. آنچه می‌توان گفت این است که تکرار یک موضوع، در هر موضع، رسالتی ویژه برعهده داشته و هدفی خاص را پی می‌گیرد که تنها با شناخت زبان قرآن و لطایف و اشارات آن و نیز درک اهداف و شیوه‌های بیانی قرآن می‌توان بدان راه یافت.

حاجی‌زاده عسگری (۱۳۹۹) در مقاله «بررسی حکمت تکرار الفاظ و مفاهیم در قرآن کریم با تکیه بر نظر ابن قطیبه دینوری» بیان می‌دارد تکرارهایی که در کلام مقدس قرآن مجید صورت گرفته است نه تنها باعث طولانی شدن کلام نمی‌باشند بلکه این امر باعث بلاغت و بالا بردن کیفیت این متن است و هیچ کلمه، واژه یا حرفی بیهوده در این متن قرار نگرفته است.

محمودی صاحبی و مجد فقیهی (۱۳۹۷) در مقاله «معناشناسی تصریف آیات و رابطه آن با تکرار در قرآن با محوریت آیه ۸۹ اسرا و آیه ۱۱۳ طه» بیان می‌دارند مقصود از تصریف در قرآن، تکرار مفاهیم و معانی در اسلوب‌ها و بیان‌های گوناگون و تبیین یک موضوع با گرداندن آن از حالی به حال دیگر است که برای هدایت، پندپذیری، تدبر و تعقل انسان‌ها و انگیزه‌های دیگر انجام پذیرفته است. تصریف و تکرار در مفاهیم و معانی قرآنی یکی از فنون بلاغی و وجهی از وجوه اعجاز قرآن است.

حاجی اسماعیلی و سلیمی (۱۳۹۶) در مقاله «بررسی تکرار معنوی آیات از دیدگاه مفسران» بیان می‌دارند در پاره‌ای از آیات و عبارت‌های قرآنی ترکیب‌هایی یافت می‌شود که در نگاه ظاهری با وجود تفاوت لفظی اما تکرار بی‌فایده معنای مطالب پیشین و مصداق حشو مذموم است. هدف پژوهش حاضر بررسی چنین مواردی از تکرار معنوی در آیات قرآن است که توهم معنای غیرمفید و اضافه بودن یکی از بخش‌های جمله را ایجاد می‌کند. در این پژوهش تلاش شده است تا بر اساس دیدگاه مفسران، جایگاه معنایی این گروه از مکررات غیرلفظی موهم حشو مذموم در پردازش آیات قرآن تبیین گردد و خواننده بر این نکته رهنمون شود که حشو در آیات و حیانی قرآن به کار نرفته و اجزای آیات موهم حشو در جای مناسب خود قرار دارند و تکرار در معانی صورت گرفته، دارای فواید بلاغی مانند تأکید، تبیین، تکثیر و مبالغه است که جزء صنایع ادبی و موجب جذابیت سخن است.

مشتاق مهر و حسینی زاده (۱۳۹۵) در مقاله «حکمت تکرار آیات در قرآن کریم» بیان می‌دارند قرآن پژوهان، تکرار در قرآن را به دو گونه تقسیم کرده‌اند: تکرار لفظی و تکرار معنوی. در این مقاله، دیدگاه‌های قرآن پژوهان و مفسران در خصوص وقوع امر تکرار آیات قرآنی در هر دو صورت لفظی و معنوی بررسی شده

است. از جمله تأثیر موضوع تکرار شده بر مخاطب به ویژه در تعلیم و تربیت. بر اساس مثل مشهور «الدّرس درّش و التّکرار ألف» که حاصل تجربه قومی است، برای درک بهتر مطلب، تمرین و تکرار، اصلی مهم و ضروری است.

با بررسی پیشینه پژوهش مشخص می‌گردد چند نقطه ضعف اساسی در تحقیقات مربوط به موضوع تکرار در قرآن وجود دارد که این نقاط ضعف در قالب وجه نوآورانه مقاله حاضر مورد توجه و تحقیق قرار گرفته است که شامل موارد زیر می‌باشد:

- ضعف مربوط به حوزه ارائه الگوی جامع «تکرار» در قرآن و تبیین ابعاد و شاخه‌های آن که در پژوهش حاضر از طریق نرم افزار استخراج گردیده است و ابعادی که در تحقیقات پیشین مغفول مانده، استخراج شده و در شاخه بندی منسجم ارائه شده است.

- ضعف مربوط به کاربردی نمودن الگوی نظری مربوط به «تکرار» در قرآن در قالب عملیاتی به منظور کاربرد در بسترهای تربیتی که این مهم از طریق استخراج بایسته‌های تربیتی مربوط به حرفه معلمی مورد تأکید قرار گرفته است.

۳. روش پژوهش

در این پژوهش راهبرد ساختارشناسی الگوی تکرار در قرآن در سه بخش کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی انجام شد. در این شیوه ابتدا رمزهای مناسب به بخش‌های مختلف اختصاص می‌یابد که به آن، کدهای اولیه گفته می‌شود. آیات استخراج شده، همان دسته بندی کدهای اولیه است که با هم ارتباط دارند، اما این دسته بندی به دو صورت انجام می‌شود. اول: چند کد اولیه در یک دسته قرار می‌گیرند و یک نام جدید می‌گیرند. دوم: چند کد اولیه زیرمجموعه یک کد دیگر قرار می‌گیرند که آن‌ها را در بردارند؛ بنابراین مجموعه مختلفی از کدهای در کنار هم، مقوله اصلی یا مقولات فرعی را تشکیل می‌دهند که به این بخش، کدگذاری باز گفته می‌شود. سپس کدگذاری محوری باید صورت گیرد. در واقع، کد محوری نقش سازه را در تحقیقات بازی می‌کند و با توجه به نظر چارمز^۱ (۲۱۱۳) کد محوری عبارت است از مجموعه‌ای از مقولات که با یکدیگر رابطه دارند و زیرمجموعه یک نام جدید یا زیرمجموعه یک مقوله کلی تر هستند. در ادامه، نرم افزار مذکور با یافتن پیوندهای میان مقولات به رمزگذاری محوری اقدام می‌کند و در نهایت، فرضیه‌ها در قالب همین مقوله‌ها تعیین می‌شوند که به



آن، کدگذاری انتخابی می‌گویند. در واقع با رمزگذاری انتخابی، مقوله‌ها پالایش می‌شوند و با طی این فرایندها در نهایت، چارچوب نظری پدیدار می‌شود (کوربین و استراوس^۱، ۱۹۹۰: ۱۲).

در مرحله آخر، مطالعه تطبیقی کدهای محوری و باز به استخراج اصول تربیتی به روش تحلیل محتوای کیفی به شیوه‌ی استقرایی انجام شد. مراحل این روش و نحوه‌ی استفاده از آن توسط محققین، به شرح زیر می‌باشد.

۱. تعیین واحد تحلیل: واحد تحلیل، شخص یا چیزی است که تحلیل بر اساس آن انجام می‌گیرد. رایج‌ترین واحدی که پژوهشگران در تحلیل محتوای کیفی مورد استفاده قرار می‌دهند، مضمون است (مومنی‌راد، ۱۳۹۲، صص. ۲۰۳-۲۰۴)؛ یعنی معنای خاص برگرفته از یک کلمه، جمله یا بند (معروفی و یوسف‌زاده، ۱۳۸۸، ص. ۱۳۶). در این پژوهش نیز از مضمون به عنوان واحد تحلیل آیات استفاده شد.

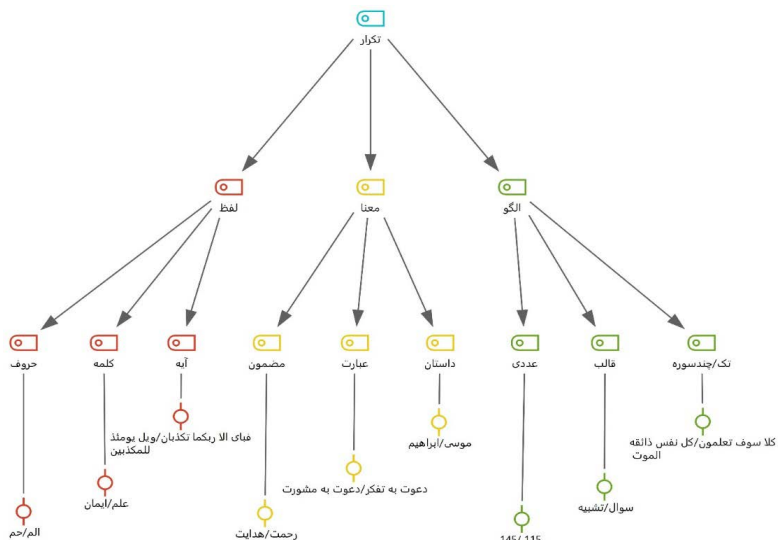
۲. ایجاد نظام مقوله‌بندی: مقوله‌های پژوهش حاضر بر اساس نظام استقرایی شکل گرفتند. در نظام استقرایی، ابتدا مقولات مشخص و بر اساس آن، داده‌ها، مرحله به مرحله از متن استخراج می‌شوند (p. ۸۱, ۲۰۱۴, Mayering).

۳. تحلیل و استنباط از متن: در این مرحله، پژوهشگر ادراکات خود از محتوای داده‌ها را با نگاهی عمیق بررسی می‌کند تا دلالت‌های ضمنی آن را استنباط کند (p. ۱۸۴, ۲۰۰۲, Jensen & Jankowski). طی نمودن سه مرحله فوق یعنی استخراج مضامین، مقوله‌بندی مضامین و ادراک و تحلیل آن‌ها به استخراج اصول تربیتی در مقاله حاضر منتج شد.

۴. الگوهای تکرار در قرآن

در قرآن کریم الگوهای تکراری متعددی وجود دارد که اهداف مختلفی را دنبال می‌کنند و نقش مهمی در انتقال مفاهیم، تأکید بر معانی و ایجاد انسجام و زیبایی در متن دارند. این الگوها به اشکال مختلفی ظاهر می‌شوند که در ادامه و بر اساس کدگذاری داده‌ها با نرم‌افزار مکس کیودا به شاخه‌بندی این الگوها در قالب نمودار و جدول اشاره شده و در هر بخش دو مثال به عنوان نمونه و در راستای تأیید عنوان هر بخش، ارائه گردیده است:

نمودار ۱: نمودار مکس مپ شاخه بندی الگوهای تکرار در قرآن کریم



جدول ۱: جدول داده‌های کدگذاری باز و محوری الگوهای تکرار در قرآن کریم

رنگ	کدهای محوری (شاخه بندی)	کدهای باز (مثال)
●	الگو	-
●	تک/چندسوره	کَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ (تکثیر ۴ و ۲) كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ (عنکبوت/ ۵۷ و انبیا/ ۳۵)
●	عددی	حیات و مرگ (هر کدام ۱۴۵ بار) مرد و زن (هر کدام ۲۴ بار)
●	قالب	سؤال/تشبیه
●	لفظ	-
●	حروف	الم/حم
●	کلمه	واژه: علم/ایمان
●	آیه	فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (الرحمن) ۳۱ بار وَيُولِئُ الْمُكَذِّبِينَ (مُرسلات) ۱۰ بار
●	معنا	-
●	مضمون	رحمت/هدایت
●	عبارت	دعوت به تفکر/دعوت به مشورت
●	داستان	موسی/ابراهیم

ساختارشناسی تکرار در قرآن کریم در قالب سه دسته کلی تکرار در قالب الفاظ،



تکرار در قالب معانی و تکرار در قالب الگوهای قابل تفکیک و بازشناسی است. منظور از تکرار لفظ این است که عین الفاظ عربی در قرآن تکرار شود. این تکرار لفظ در قالب حروف، واژگان و آیات می‌باشد. الگوهای ساختاری قرآن شامل توالی‌های تکراری حروف مانند "حم" و "الم" است که در چندین سوره یافت می‌شود. این حروف به ترتیب ۷ و ۵ بار ظاهر می‌شوند و معانی خاص آن‌ها عموماً فقط برای خدا معلوم است. آن‌ها به عنوان یادآوری از منشأ الهی قرآن عمل می‌کنند و دعوت به تفکر در مورد اسرار موجود در این کتاب مقدس می‌کنند. نوع دیگری از تکرار به صورت معانی می‌باشد. تکرار معانی بدان معنا است که مضمون مشابه در قالب الفاظ متفاوت به کار گرفته شود. این الگو می‌تواند معانی عمیق‌تری را منتقل کند و مضامین اصلی را تقویت کند. به عنوان مثال، استفاده مکرر از اصطلاحاتی مانند "رحمت"، "هدایت" یا "بخشش" ممکن است به عنوان یادآوری از صفات فراگیر خداوند عمل کند و بدین ترتیب خوانندگان را به تأمل در مورد اهمیت آن‌ها در زندگی شخصی خود دعوت کند. با شناسایی این کلمات تکراری، خوانندگان می‌توانند بینشی نسبت به چارچوب‌های کلامی و اخلاقی که قرآن قصد دارد ارائه دهد، به دست آورند و بر مفاهیمی که برای زندگی اخلاقی و همسویی معنوی ضروری هستند، تأکید کنند. همچنین عباراتی که مضمون دعوت‌کننده به تفکر می‌باشند اما در قالب الفاظ متفاوت مانند «افلا تعقلون» و «افلا تتفكرون» به کار گرفته شده است. در بعدی فراتر مضامین داستانی قرار دارد که با الفاظ و عبارات متفاوت به تصویر کشیده شده است.

نوع دیگری از تکرار هم در قرآن وجود دارد که کمتر شناخته شده است و آن تکرار در قالب الگوها می‌باشد. الگوی تکرار در تک سوره مانند سوره الرحمن که یکی از پرتکرارترین آیات، آیه‌ای از سوره الرحمن است که می‌فرماید: «پس کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را انکار می‌کنید؟» این آیه ۲۴ بار تکرار شده و خوانندگان را دعوت می‌کند تا در مورد نعمت‌های فراوانی که خداوند عطا کرده است، تأمل کنند و اهمیت آن‌ها را تصدیق کنند. عبارت تکراری قابل توجه دیگری در سوره المذثر یافت می‌شود: «وای در آن روز بر تکذیب‌کنندگان». این آیه ۱۰ بار تکرار شده و هشدار جدی درباره عواقب کفر ایجاد می‌کند. چنین تکراری نه تنها هدف آموزشی دارد، بلکه حس فوریت را در مورد ایمان و مسئولیت‌پذیری القا می‌کند. الگوی "تکرار در چند سوره" هم الگوی دیگری است که الفاظ و آیات مختلف بر اساس این الگو در سوره‌ها و جزء‌های مختلف تکرار می‌شوند. آیاتی مانند «پس از خدا بترسید و از من اطاعت کنید» و «به راستی در این نشانه‌ای

است، اما بیشتر آن‌ها مؤمن نبودند» در جاهای مختلف تکرار می‌شوند و مضامین اطاعت و اهمیت ایمان را تقویت می‌کنند.

علاوه بر این، اعداد در قرآن اهمیت منحصر به فردی دارند و اغلب منجر به بحث‌هایی پیرامون «معجزات عددی» می‌شوند. طرفداران این دیدگاه به تعداد مشخصی از کلمات یا عبارات اشاره می‌کنند که به نظر می‌رسد ارتباط ریاضیاتی دارند، مانند ذکر مکرر عدد ۱۹. یکی از اعجاز‌های تکرار عددی در قرآن کاربرد کلمات مرتبط با تکرار اعداد مشابه می‌باشد. از باب نمونه کلمه «الحيات» (زندگی)، ۱۴۵ بار در قرآن آورده شده و کلمه متضاد آن، «الموت» (مرگ)، هم ۱۴۵ بار ذکر شده است و یا کلمه «الدنيا» ۱۱۵ بار در قرآن آورده شده و کلمه متضاد آن، «الاجيرا» (زندگی پس از مرگ)، ۱۱۵ بار ذکر شده است و یا کلمه مرد ۲۴ بار در قرآن آورده شده و کلمه متضاد آن زن، ۲۴ بار ذکر شده است. علاوه بر اعجاز تکرار اعداد، قالب تکرار الگوهای خاص ادبی و روشی در قرآن قابل توجه می‌باشد. مثلاً تکرار روش پرسش در سوره‌های مختلف قرآن و یا تکرار قالب ادبی تشبیه در قرآن.

به طور کلی، استفاده قرآن از الگوهای تکرار به منظور افزایش درک خواننده از اصول اصلی اسلام است و ساختاری راحت و قانع‌کننده برای آموزه‌ها ارائه می‌دهد. این تکرار نه تنها به حفظ کردن کمک می‌کند، بلکه امکان تأمل عمیق‌تر در معانی و مفاهیم متن را فراهم می‌کند و آن را به راهنمای قدرتمندی برای مؤمنان در سفر معنوی آن‌ها تبدیل می‌کند. قرآن نه تنها به خاطر هدایت معنوی‌اش، بلکه به دلیل الگوهای مختلفی که نشان می‌دهد، هم‌زمانی و هم‌عددی، مورد توجه است. این الگوهای تکراری به عنوان بخشی از ساختار آن ظاهر می‌شوند و آیات قرآن اغلب از طریق ویژگی‌های موضوعی یا سبکی به هم مرتبط می‌شوند.

۵. بایسته‌های تربیتی تکرار در قرآن برای معلمان

به اعتقاد امام خمینی تکرار آیات در قرآن به گونه‌ای انجام شده که نه تنها از شیرینی آن کاسته نمی‌شود، بلکه ظرافت‌های به کاررفته سبب جذابیت بیشتر متون شده است و هر دفعه که اصل مطلب تکرار می‌شود خصوصیات و لواحق در آن مذکور است که در دیگران نیست بلکه در هر دفعه یک نکته مهم عرفانی یا اخلاقی مد نظر قرار داده شده است. ایشان راز تکرارهای قرآن را در ویژگی اخلاقی قرآن کریم می‌داند و معتقد است اگر در قرآن تکرار هست برای این است که قرآن آدم‌سازی می‌خواهد بکند و اگر مطالب اخلاقی در قرآن تکرار می‌شود زیرا سبک انسان‌سازی به این شکل است، هر صفحه‌ای از قرآن باز



شود دعوت به تقوا و خوبی کرده است قصه‌های پیامبران را گفته و تکرار کرده هرچند قرآن قصه نمی‌خواهد بگوید؛ آدم درست کردن یک دفعه گفتن نیست باید تکرار شود؛ بنابراین یک جهت تکرار، اخلاقی بودن و هدف اخلاقی داشتن قرآن است و تربیت بدون تکرار امکان‌پذیر نیست لذا باید تلقین کرد، تلقین با یک دفعه صورت نمی‌گیرد بلکه باید تکرار شود تا در قلب نقش ببندد (خمینی، ۱۳۸۸: ۳۷). لذا سبب تکرار قصه‌های قرآن همین هدف تربیتی است. قصه‌هایی مثل قصه آدم، موسی، ابراهیم و دیگر انبیاء الهی مکرر در قرآن ذکر شده برای این است که کتاب قرآن کتاب سیر و سلوک الی الله، کتاب توحید و معارف و مواعظ است و در این امور، مطلوب تکرار است تا در نفوس قاسیه تأثیری کند و قلب‌ها از آن مکررات موعظه بگیرند. به اعتقاد امام خمینی قرآن یک مطلب را در آیات و سوره‌های مختلف با عبارت متنوعی ارائه می‌دهد همچنین تغییر نوع خطاب نیز در قرآن بسیار است، راز این تنوع و تکرار آن است که قرآن شریف برای سعادت جمیع طبقات و قاطبه سلسله بشر است و این نوع انسان در حالات قلوب و عادات و اخلاق و ازمنه و امکانه مختلف هست و نمی‌شود همه را به یک نحو دعوت کرد. کسی که بخواهد تربیت و تعلیم و انذار و تبشیر کند باید مقصد خود را با عبارات مختلفه و بیانات متفاوت در ضمن قصه، حکایت، کنایه و امثال و رموز بیان کند تا نفوس مختلفه هر یک بتوانند از آن استفاده کنند از این جهت است که این کتاب شریف به اقسام مختلفه و فنون متعدده مردم را به حق تعالی دعوت می‌کند (خمینی، ۱۳۸۹: ۴۶).

در همین راستا الهام‌گیری از الگوهای قرآنی در شغل معلمی نه تنها یک انتخاب اخلاقی و معنوی است، بلکه یک ضرورت برای ارتقای کیفیت آموزش و تربیت به شمار می‌رود. قرآن کریم به عنوان یک منبع غنی از حکمت، اخلاق و الگوهای رفتاری، می‌تواند راهنمای ارزشمندی برای معلمان در انجام وظایفشان باشد. معلم، تنها انتقال‌دهنده دانش نیست، بلکه الگویی است برای شکل‌گیری شخصیت، رشد اخلاقی و تعالی معنوی دانش‌آموزان. در این راستا، الهام‌گیری از الگوهای قرآنی در شغل معلمی، نه یک انتخاب اختیاری، بلکه مسیری برای موفقیت بیشتر است. قرآن کریم می‌تواند چراغ راه معلمان در مسیر پر فراز و نشیب تعلیم و تربیت باشد و برای تبیین ابعاد مختلف این ضرورت و بررسی چگونگی بهره‌گیری از آموزه‌های قرآنی در ارتقای کیفیت شغل معلمی و تربیت نسلی آگاه، مسئولیت‌پذیر و برخوردار از فضایل اخلاقی منبعی جامع به حساب آید. در ادامه شش بایسته تربیتی برای شغل معلمی بر مبنای الگوی تکرار در

قرآن مورد استنباط و استخراج قرار گرفته است که اگر معلمان این شش نکته را در الگوی عملی آموزشی و تربیتی خود به کار برند، می‌توانند نتایج بهتری در تربیت نسلی رقم بزنند.

۶. ضرورت تکرار

هدف قرآن انسان‌سازی است و در این راستا از الگوهای مختلف از جمله تکرار بهره برده است. هدف معلم هم چه بحث آموزش باشد و چه بحث پرورش، در هر صورت باید بداند که به نتیجه رسیدن در امر تربیت، دفعاتاً اتفاق نمی‌افتد و تکرار و تذکر از ملزومات و بایسته‌های امر انسان‌سازی می‌باشد. فهم این ضرورت از طریق فهم اثراتی است که کاربست الگوی تکرار بر مخاطب تربیتی می‌گذارد. برخی از این اثرات در بحث معلمی قابل توجه و تأکید بیشتر می‌باشد. ابتدائاً اینکه تکرار مکرر مفاهیم و مهارت‌ها، باعث تقویت حافظه و درک عمیق‌تر مطالب و به عبارتی تقویت یادگیری می‌شود. به عبارتی به جای اینکه اطلاعات به صورت سطحی در ذهن ثبت شود، تکرار باعث می‌شود تا اطلاعات به طور عمیق‌تر پردازش شده و به حافظه بلندمدت منتقل شوند. این امر به ویژه در مورد مفاهیم پیچیده و مهارت‌های دشوار صادق است (نجار و همکاران، ۱۴۰۲: ۵۱۴). همچنین تکرار نه تنها برای یادگیری مفاهیم، بلکه برای تثبیت رفتارها نیز ضروری است. رفتارهای جدید در ابتدا نیاز به تلاش و تمرکز زیادی دارند. با تکرار، این رفتارها به تدریج خودکار شده و بخشی از عادت‌های فرد می‌شوند (هاشمی سجزی، ۱۴۰۱: ۱۱۵). همچنین، تکرار، فرصت‌های زیادی برای تمرین و بهبود مهارت‌ها فراهم می‌کند. هر بار تکرار، فرصتی برای شناسایی اشتباهات و تصحیح آن‌ها است. این فرایند تدریجی، منجر به افزایش دقت و سرعت در انجام کارها می‌شود (محمدی و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۰۷). تکرار با بحث افزایش اعتماد به نفس نیز ارتباط داد. موفقیت در انجام یک کار به دفعات، اعتماد به نفس فرد را افزایش می‌دهد. معلمان می‌توانند با استفاده از تکرار، به دانش‌آموزان کمک کنند تا در انجام وظایف خود مهارت پیدا کرده و اعتماد به نفس خود را افزایش دهند (دیوانی، ۱۳۸۰). در نهایت از دیدگاه علوم اعصاب، تکرار باعث ایجاد ارتباطات عصبی قوی‌تر در مغز می‌شود. این ارتباطات قوی‌تر، دسترسی سریع‌تر و آسان‌تر به اطلاعات و مهارت‌های یاد گرفته شده را ممکن می‌سازد (نجار و همکاران، ۱۴۰۲: ۵۱۴). با توجه به مقدمات فوق تمامی معلمان بایستی در رابطه با ضرورت کاربرد الگوی تکرار توجیه بوده و نسبت به روش‌ها و ملزومات آن جهت دستیابی به تربیت مؤثر، آگاه و پایبند باشند.



۷. ایجاد ارتباط بین هدف و روش تکرار

شیوه‌های مختلف الگوهای تکرار در قرآن (استخراج نه الگو) با توجه به حکیمانه بودن نزول آن، نشان از اهداف مختلفی است که قرآن در کاربری الگوی تکرار دنبال می‌نماید. باید توجه داشت اگر الگوی تکرار بدون توجه به هدف تربیتی، مورد استفاده قرار گیرد ممکن است نه تنها نتیجه مطلوب را به بار نیاورد بلکه نتیجه عکس داده و مخاطب تربیت را از اهداف تربیتی دور نموده و دل زده نماید. در الگوهای مختلف تربیت مستقیم و غیرمستقیم، و یا در سبک‌های مختلف یادگیری، روش تکرار بایستی به شیوه متفاوت اعمال شود. از باب نمونه در سبک یادگیری دیداری می‌توان از نمودارهای رنگی، تصاویر مرتبط، نقشه‌های ذهنی و فیلم‌های آموزشی برای تکرار مفاهیم استفاده نمود. در سبک یادگیری شنیداری می‌توان از فایل‌های صوتی آموزشی، پادکست‌ها و بحث‌های گروهی برای تکرار مفاهیم استفاده نمود. در سبک یادگیری جنبشی می‌توان از فعالیت‌های عملی، آزمایش‌ها، نقش‌آفرینی و شبیه‌سازی‌ها برای تکرار مفاهیم استفاده نمود و یا در سبک یادگیری خواندنی-نوشتنی می‌توان از متن‌های آموزشی، مقالات، کتاب‌ها و تمرین‌های نوشتاری برای تکرار مفاهیم استفاده نمود (گنجی، ۱۳۷۴). هرچه هست فهم ارتباط هدف آموزش و مباحث تربیتی و آموزشی باید از جانب معلمان به عنوان اولویت دوم در کاربرد الگوی تکرار بعد از اولویت اول یعنی فهم ضرورت کاربرد تکرار در تربیت مورد توجه قرار گیرد تا از این رهگذر، کاربرد تکرار با توجه به هدف تربیتی، به شیوه‌ای درست میسر گردد.

۸. تنوع در قالب‌های تکرار

قرآن تکرار را تنها در قالب لفظ یا معنا و یا الگو، دنبال نکرده است بلکه از هر سه رویکرد آن، در تنوع روشی بهره برده است. بر همین اساس نکته کلیدی دیگر در استفاده از تکرار، روش و شیوه آن است. تکرار خسته‌کننده و یکنواخت، نه تنها مفید نیست بلکه می‌تواند منجر به خستگی و بی‌علاقگی مخاطبان تربیت شود. معلمان باید از روش‌های خلاقانه و متنوعی برای تکرار استفاده کنند تا این فرایند برای دانش‌آموزان جذاب و مؤثر باشد. این روش‌ها می‌تواند شامل استفاده از بازی‌ها، فعالیت‌های گروهی، پروژه‌های مختلف، و روش‌های متنوع آموزشی و تربیتی باشد. باید توجه داشت هدف، ایجاد یادگیری و تربیت عمیق و پایدار است، نه صرفاً تکرار بی‌هدف. همچنین استفاده از روش‌های تکرار متنوع، فرایند تربیت را جذاب‌تر و لذت‌بخش‌تر می‌کند. این امر باعث می‌شود تا فرد با میل و رغبت بیشتری در فعالیت‌های تربیتی شرکت کند و نتایج بهتری به دست آورد.

وقتی یک مفهوم از زوایای مختلف و با روش‌های متنوع تکرار شود، فرد درک عمیق‌تری از آن مفهوم پیدا می‌کند. این امر باعث می‌شود تا یادگیری پایدارتر و قابل استفاده‌تر شود (هاشمی سجزی، ۱۴۰۱: ۱۱۵). از زاویه دیگر تنوع در کاربرد روش تکرار، به مخاطب تربیت فرصت می‌دهد تا خلاقیت خود را توسعه دهد. به عبارتی با جستجو برای روش‌های جدید و نوآورانه برای تکرار مفاهیم، می‌توان به ایده‌های جدید دست پیدا کرد و فرآیند تربیت را غنی‌تر نمود.

۹. توجه به فواصل تکرار

کاربرد الگوی تکرار در سوره‌های مختلف و همچنین رعایت نظم در تکرار برخی آیه‌ها مانند سوره الرحمن نشان می‌دهد که الگوی تکرار از همان ابتدای کاربرد باید همراه با رعایت فواصل زمانی باشد و در هیچ کجای قرآن، تکرار لفظ یا معنا و یا الگو بدون فاصله نبوده است. این مطلب در مباحث علمی هم در قالب نظریه‌های مختلف مورد تأیید قرار گرفته است که رعایت فواصل زمانی برای تکرار و با توجه به گروه مخاطب و هدف تربیت متفاوت خواهد بود. اساساً یکی از عوامل مؤثر در روش تکرار، زمان‌بندی مناسب بین کاربرد الگویی آن است. استفاده از تکنیک‌هایی مانند تکرار فاصله‌دار (Spaced Repetition) می‌تواند به مخاطبان کمک کند تا اطلاعات را به‌طور مؤثرتری در حافظه بلندمدت خود ذخیره کنند. این روش شامل مرور مطالب در فواصل زمانی مشخص است که به تدریج افزایش می‌یابد (علویان، ۱۳۹۶: ۱۴). همچنین قانون اثر فاصله‌گذاری (Spacing Effect) نشان می‌دهد که یادگیری و به یادآوری اطلاعات در بلندمدت، زمانی بهتر انجام می‌شود که جلسات تکرار و تمرین در طول زمان با فاصله‌های مشخص پخش شوند، نه اینکه پشت سر هم و فشرده انجام شوند. توضیح آنکه مغز اطلاعاتی را که به صورت فاصله‌دار تکرار می‌شوند، بهتر پردازش و ذخیره می‌کند (علویان، ۱۳۹۶: ۱۷). در نهایت منحنی فراموشی (Forgetting Curve) نشان می‌دهد که بیشتر اطلاعات به سرعت پس از یادگیری فراموش می‌شوند. تکرار با فاصله‌های زمانی، به ویژه در زمان‌هایی که احتمال فراموشی بیشتر است، به جلوگیری از این فراموشی کمک می‌کند و باعث می‌شود اطلاعات در حافظه بلندمدت باقی بمانند (حق زاد کلیدبری، ۱۴۰۱: ۵۶).

۱۰. توجه به عناصر زیبایی‌شناسی در تکرار

توجه به عناصر زیبایی‌شناسی، تربیت را لطیف و مطلوب می‌نماید. قرآن در کاربرد الگوی تکرار به این نکته نیز توجه نموده است. آهنگین بودن تکرار در سوره



الرحمن، کاربرد الگوی ادبی تشبیه و توجه به زاویه دید در تکرار داستان‌های قرآنی نشان از نوعی بلاغت و اتخاذ رویکرد ادبی و زیبایی‌شناسی در تکرار الفاظ و معانی دارد. زیبایی‌شناسی در الگوی تکرار نه تنها به معنای استفاده از عناصر بصری جذاب است، بلکه شامل ایجاد یک تجربه حسی دلپذیر و هماهنگ است که می‌تواند فرآیند یادگیری را لذت‌بخش‌تر و مؤثرتر کند. تکرار همراه با عناصر زیبایی‌شناسی می‌تواند به ایجاد یک محیط یادگیری مثبت کمک نماید. یک محیط یادگیری زیبا و دلپذیر می‌تواند استرس و اضطراب را کاهش دهد و به فرد کمک کند تا احساس آرامش و امنیت بیشتری داشته باشد. این امر می‌تواند به بهبود تمرکز و یادگیری کمک کند. مطالعات نشان داده‌اند که اطلاعاتی که با احساسات مثبت همراه هستند، بهتر در حافظه ثبت می‌شوند. زیبایی‌شناسی می‌تواند احساسات مثبتی مانند شادی، آرامش و کنجکاوی را در فرد ایجاد کند و در نتیجه، به تثبیت اطلاعات در حافظه کمک کند (فرجی و میرحسینی، ۱۴۰۰: ۴۳۹).

نتیجه‌گیری

آدمی بر خلاف تمامی موجودات که زندگی و رشدشان تنها منوط به قواعد طبیعی و فیزیکی می‌باشد، موجودی است که قواعد زیست فردی و اجتماعی او تحت گستره وسیعی از گزاره‌های طبیعی، انسانی و اخلاقی قرار دارد. مرجع این قواعد به فراخور مبانی زندگی هر فرد و جامعه متفاوت بوده و گاه قانون‌های فردی خودساخته و یا قانون‌های جمعی دگر ساخته و یا قانون‌های اخلاقی و انسانی هدایتگر آن می‌باشد. ریشه‌یابی این قوانین نشان می‌دهد که در نهایت دو منبع اصلی برای انتخاب مسیر هدایت و زندگی انسان وجود دارد که عقل و انتخاب آدمی و وحی و هدایت خداوند، می‌باشد. گرچه این دو منبع در ذات خود منافاتی با یکدیگر ندارند اما تکیه صرف به انتخاب‌گری عقل به سبب نقصان آن در درک همه امور، در نهایت به بیراهه رفتن است. از همین رو لازم است که عقل آدمی به عنوان کارگزار اصلی انتخاب‌های انسانی، به مدد نیرویی دیگر تقویت و تکمیل گردد و اساساً در بدو امر، نیروی عقل می‌بایست بر اساس منبعی متقن و منسجم مورد هدایت و راهبری قرار گیرد. از همین رو برای فهم قواعد زندگی فردی و اجتماعی و فهم مباحث تربیت انسان لازم است که انسان با عقل خود به منابع و حیانی رجوع نموده و قواعد منطقی و انسانی زندگی‌اش را الهام و استخراج نماید. قرآن و آیات آن به عنوان کامل‌ترین منبع که لزوماً برای همین امر نازل شده است، به عنوان مرجعی متقن در دسترس انسان بوده تا از کلیات و جزئیات

آن برای مسیریابی درست قطب‌نمای حرکت زندگی بهره‌بردار.

یکی از الگوهای عملی در قرآن که می‌تواند به عنوان اصل مسلم در مباحث علمی و تربیتی مورد استناد و استفاده برای معلمان قرار گیرد، کاربرد الگوی تکرار با توجه به قواعد استفاده از آن در قرآن می‌باشد. این قوائد در قالب گزاره‌های زیر استخراج شده است:

- تکرار در قرآن کریم یک ابزار قدرتمند و چندوجهی است که برای اهداف مختلف تربیتی و آموزشی مورد استفاده قرار گرفته است. درک ساختار و کارکردهای تکرار در قرآن، می‌تواند به معلمان کمک کند تا از این روش به طور مؤثرتری در کلاس درس خود استفاده کنند و به نتایج بهتری در تربیت و آموزش دانش‌آموزان دست یابند.

- تکرار به عنوان پلی بین صرفاً قرار گرفتن در معرض محتوا و درک واقعی عمل می‌کند. معلمانی که به طور مؤثر از تکرار استفاده می‌کنند، به احتمال زیاد به اهداف آموزشی خود دست می‌یابند، زیرا یک تجربه یادگیری عمیق‌تر را تسهیل می‌کنند.

- با بازبینی و تقویت ایده‌های کلیدی از طریق تکرار متفکرانه، مربیان می‌توانند دانش‌آموزان خود را نه تنها برای عملکرد خوب از نظر تحصیلی، بلکه برای به کارگیری دانش خود در زمینه‌های دنیای واقعی آماده کنند.

- در نهایت توجه به قالب‌های تکرار، فواصل تکرار و عناصر زیبایی‌شناسی در تکرار بر اساس الگوی قرآنی، می‌تواند دل‌زدگی از کاربست الگوی تکرار را در مباحث تربیتی به حداقل برساند.

در همین راستا مقاله حاضر با توجه به ابعاد نوآوری خود نسبت به مقالات پیشین، یعنی استخراج ساختمان‌شناسی جامع تکرار در قرآن و ارائه الگوی نموداری آن و همچنین ایجاد پیوند عملی کاربرد الگوی فوق در مباحث تربیتی مربوط به حرفه معلمی، گامی در جهت کاربردی نمودن روشمندی در قرآن و کاربست آن در مباحث حوزه تربیت نموده است. این مهم زمانی به صورت جامع‌تر و اثرگذارتر رقم خواهد خورد که بتوان تحقیقاتی از این دست را در قالب الگوی قاعده‌مند سازی روش‌های تربیت قرآنی در روش‌های تربیت معلمی مورد استفاده و استناد قرار داد. بر همین اساس پیشنهاد می‌شود با توجه به ضعف توجه به این نظرگاه، سعی شود در تحقیقات آینده رویکرد قاعده‌مندسازی تک‌تک الگوهای تربیتی قرآن از منظرگاه‌های مختلف علمی، تربیتی، اخلاقی و دیگر نظرگاه‌هایی که مسیر حرکت انسان را برای او واضح و تبیین می‌نماید، مورد استفاده و تحقیق قرار گیرد.



فهرست منابع

۱. ابن منظور، محمدابن مکرم (۱۳۷۵)، لسان العرب، بیروت: دار البیروت.
۲. پروان، صدیقه و نعمتی، دل آرا (۱۳۹۹)، بررسی تکرار در قرآن از کتاب راهنمای قرآن، قرآن پژوهی خاورشناسان، ۲۸: ۸۷-۱۰۲.
۳. حاجی اسماعیلی، محمدرضا و سلیمی، هادی (۱۳۹۶)، مطالعات تفسیری، ۸(۳۰): ۳۴-۴۵.
۴. حاجی زاده عسگری، عارفه (۱۳۹۹)، بررسی حکمت تکرار الفاظ و مفاهیم در قرآن کریم با تکیه بر نظر ابن قطیبه دینوری، چهارمین کنفرانس بین المللی علوم اسلامی، پژوهش های دینی و حقوق.
۵. حسینی زبیدی واسطی، مرتضی (۱۴۱۴ ق)، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت: دارالفکر.
۶. خمینی، روح الله (۱۳۸۸)، آداب الصلاه، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۷. خمینی، روح الله (۱۳۸۹)، صحیفه امام، ج ۱۳ و ۱۷، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۸. دیوانی، امیر. (۱۳۸۰). راهکارهای افزایش اعتماد به نفس در کودکان. پیام زن، ۱۳۸۰(۱۸)، -.
۹. علویان، فیروزه. (۱۳۹۶). یادگیری فاصله دار: ایجاد فضای مناسب برای علوم اعصاب در کلاس درس. پویش در آموزش علوم پایه، ۳(۷)، ۳۲-۹.
۱۰. فرجی، یوسف، و میرحسینی، سیدمحمد. (۱۴۰۰). راه های افزایش آرامش در قرآن و سبک زندگی اسلامی و تأثیر آن بر تربیت فرزندان. مطالعات قرآنی (فدک)، فصلنامه دین پژوهی و کتابشناسی قرآنی، ۱۲(۴۶)، ۴۴۸-۴۲۹.
۱۱. کرپیندورف، کلوس، (۱۳۸۶)، تحلیل محتوا: مبانی روش شناسی، ترجمه هوشنگ نائینی، تهران، نشر نی.
۱۲. گنجی، حمزه. (۱۳۷۴)، انتقال یادگیری جنبشی از یک دست به دست دیگر، فرایند مدیریت و توسعه، ۹(۱): ۶۲-۷۹.
۱۳. محمدی مهر، غلامرضا، (۱۳۸۷ ش)، روش تحلیل محتوا (راهنمای عملی تحقیق)، تهران، دانش نگار.
۱۴. محمدی، فرهاد، کرمی، جهانگیر، و بیرامی، منصور. (۱۳۸۷). بررسی میزان اثربخشی رویکرد تکلیف-فرآیند در درمان ناتوانی ویژه یادگیری ریاضی. پژوهش های نوین روان شناختی (روانشناسی دانشگاه تبریز)، ۳(۱۰)، ۱۰۳-۱۲۵.
۱۵. محمودی صاحبی و مجد فقیهی (۱۳۹۷)، معناشناسی تصریف آیات و رابطه آن با تکرار در قرآن با محوریت آیه ۸۹ اسرا و آیه ۱۱۳ طه، ۳۵: ۷-۲۲.
۱۶. مشتاق مهر، علی و حسینی زاده، عبدالحمید (۱۳۹۵)، حکمت تکرار آیات در قرآن کریم، تفسیرپژوهی، ۵-۱۴۵-۱۷۶.
۱۷. معروفی، یحیی و یوسف زاده، محمدرضا (۱۳۸۸). تحلیل محتوا در علوم انسانی. همدان: سپهر دانش.
۱۸. مومنی راد، اکبر (۱۳۹۲). تحلیل محتوای کیفی در آیین پژوهش: ماهیت، مراحل و اعتبار نتایج. فصلنامه اندازگیری تربیتی، ۴(۱۴)، ۱۸۷-۱۲۲.
۱۹. نجار امیر، پیرخائفی علیرضا، معنوی پور داود، نجاتی وحید. اثربخشی توان بخشی عصب روان شناختی کارکردهای اجرایی بر حافظه دانش آموزان. تحقیقات علوم رفتاری. ۲۱(۳): ۵۱۳-۵۲۶.
۲۰. هاشمی سجری، ابوالفضل، (۱۴۰)، نحوه تحقق ملکات نفسانی و رابطه آن با تعلیم و تربیت، پژوهشنامه معارف دینی، ۱(۱)، ۱۱۳-۱۳۴.
21. Corbin, J.& Strauss, A. (1990). Grounded Theory Research: Procedures, Canons, and Evaluative Criteria Qualitative Sociology 13(1), 3-21
22. Jensen, Klaus Bruhn & Jankowski, Nicholas (2002). A handbook of qualitative methodologies for mass communication research. London: Routledge
23. Mayring, Philipp. (2014). Qualitative content analysis: Theoretical foundation, basic procedures and software solution. <http://nbn-resolving.de/urn:nbn:de:0168-ssaar-395173>.

Resources:

1. Ibn Manzur, Muhammad Ibn Makram (1996), Lisan al-Arab, Beirut: Dar al-Beirut.
2. Parwan, Sedighe and Nemati, Del-Ara (2010), A Study of Repetition in the Quran from the Guide Book of the Quran, Quranic Studies of Orientalists, 28: 87-102.
3. Haji Esmaili, Mohammad Reza and Salimi, Hadi (2017), Interpretive Studies, 8 (30): 34-45.
4. Hajizadeh Asgari, Arefe (2010), A Study of the Wisdom of Repetition of Words and Concepts in the Holy Quran Based on the Opinion of Ibn Qutaybah Dinwari, Fourth International Conference on Islamic Sciences, Religious Research and Law.
5. Hosseini Zubaidi Wasiti, Morteza (1999), Taj al-Aroos from the Jewels of the Dictionary, Beirut: Dar al-Fikr.
6. Khomeini, Ruhollah (2009), Adab al-Salah, Tehran: Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works (RA).
7. Khomeini, Ruhollah (2009), Sahifeh Imam, Vol. 13 and 17, Tehran: Institute for the Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works (RA).
8. Divani, Amir. (2001). Strategies for Increasing Self-Confidence in Children. Payam-e-Zan, 2001(118).
9. Alavian, Firoozeh. (2017). Distance Learning: Creating a Suitable Space for Neuroscience in the Classroom. Progress in Basic Science Education, 3(7), 9-32.
10. Faraji, Yousef, and Mir-Hosseini, Seyed Mohammad. (2001). Ways to Increase Calmness in the Quran and Islamic Lifestyle and Its Effect on Raising Children.
11. Quranic Studies (Fadak, Quarterly Journal of Religious Studies and Quranic Bibliography), 12(46), 429-448.
12. Krippendorff, Klaus. (2007), Content Analysis: Fundamentals of Methodology, translated by Houshang Naeini, Tehran, Nay Publishing House.
13. Ganji, Hamzeh. (1995), Transfer of motor learning from one hand to another, Management and Development Process, 9 (1): 79-62.
14. Mohammadi Mehr, Gholamreza. (2008), Content Analysis Method (Practical Research Guide), Tehran, Danesh Negar.
15. Mohammadi, Farhad, Karami, Jahangir, and Bayrami, Mansour. (2008). Studying the Effectiveness of the Task-Process Approach in Treating Specific Mathematical Learning Disability. Modern Psychological Research (Psychology, University of Tabriz), 3(10), 103-125.
16. Mahmoudi, Sahebi, and Faghihi, Majd. (2018), Semantics of Verse Interpretation and Its Relationship with Repetition in the Quran with a Focus on Verse 89 of Asra and Verse 113 of Taha, 35: 7-22.
17. Mushtaq Mehr, Ali and Hosseinizadeh, Abdolhamid. (2016), The Wisdom of Repeating Verses in the Holy Quran, Tafsir Pajouhi, 5, 176-145.
18. Marofi, Yahya and Yousefzadeh, Mohammad Reza. (2009). Content Analysis in the Humanities. Hamedan: Sephar Danesh.
19. Momeni-Rad, Akbar (2013). Qualitative Content Analysis in the Research Process: Nature, Stages and Validity of Results. Quarterly Journal of Educational Measurement, 4(14), 187-122.
20. Najjar, Amir, Pirkhaefi, Alireza, Manavi Pour, Davoud, Nejati, Vahid. (2013). The Effectiveness of Neuropsychological Rehabilitation of Executive Functions on Students' Memory. Behavioral Sciences Research. 21 (3): 513-526.
21. Hashemi Sajzi, Abolfazl, (2012), The Way of Realizing Emotional Properties and Its Relationship with Education, Journal of Religious Education Research, 1(1), 13-134.
22. Corbin, J. & Strauss, A. (1990). Grounded Theory Research: Procedures, Canons, and Evaluative Criteria Qualitative Sociology, 13(1), 3-21.
23. Jensen, Klaus Bruhn, & Jankowski, Nicholas. (2002). A handbook of qualitative methodologies for mass communication research. London: Routledge.
24. Mayring, Philipp. (2014). Qualitative content analysis: Theoretical foundation, basic procedures and software solution. <http://nbn-resolving.de/urn:nbn:de:0168-ssor-395173>.